

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
اول جنوری 2008

زور بی قالب

آنکه بازور ، ریاست سر شورا دارد
پخته با مکر ، به هر دیگ مربا دارد
شیر و قیماق و ، پنیر و ، عسل و قند و شکر
نوش جاننش پلو و ، قورمه و شوروا دارد
دهن ما همه ، با گفتن حلو ، شیرین
عارقش ، گند سیاست زده رؤسا دارد
جامه ریب و ریا در بر و ، تسبیح به دست
حکم اخراجی رنگین سپنتا دارد
با قلم قبر کند ، بسکه به همکارانش
کفن مفت ، به هر قسامت رعنا دارد
گهی از شرق بغرب و ، گهی از غرب به شرق
دامن عزت قانون ، به بالا دارد
شرف و شخصیت و حرمت ما ، داد به باد
دزدشورا ، که نه قانون و ، نه پروا دارد
اشک بیچاره کرزی ، ز جفا و ستمش
گرچه خشکیده ، روان سیل به دریا دارد
هر که خواهد که کند ، مشکل میهن را حل
سد راهش شده ، میکروب فریبا دارد
چرس و تریاک و زمرد ، همه سرمایه او
به (دبی) ، خانه زرین و مطلا دارد

زن و فرزند ، به انگلیس و خودش در شورا
چکر شخصی و رسمی ، تک و تنها دارد
سفر خاص ، به همراه ضیاء مسعود
دیپلوماتانه ، تجارت به اروپا دارد
با همه زانی و جانی و جنایتگر دهر
ز پس پرده به محراب ، چلیپا دارد
دُزد و قاقا قبر و ، قاتل و قُطاع الطریق
همه را داخل شورا کده ، اعضا دارد
آنکه از خون دل بیوه زن و ، اشک یتیم
مستی با ساغر و ، پیمانه و مینا دارد
هرچه خواهد دل سنگش به خدا ، لیل و نهار
حور و غلمان به زر و زور ، مَهیا دارد
تا که قانون شکنی ، حافظتِ قانون شدی
وای ، قانون ز جفایش ، به هوا ، پا دارد
سر ناموس وطن ، بسکه تجارت شب و روز
خویش را نیز به هر معامله سودا دارد
نوکر اجنبی و چاکر امریکه و روس
بردهٔ ملکِ عرب گشته و ، غوغا دارد
بکس پُر دالر و الماس ، گرفتار شدن
خبری است که صد گونه مُعمّا دارد
تا که رسوای جهان گشت ، به همراهی ضیا
زور بی قالبِ شان ، وای ، که حاشا دارد
قلم « نعمت » گستاخ ، به جولان آمد
تا حقایق ، ز پس پرده هویدا دارد